

مرتضوی با همسر من چه کار داشت که 28 ساعت ایشان را بازجویی کرده بود؟ او با اکثر خانواده‌ها ارتباط برقرار می‌کرد و نکاتی را به دروغ می‌گفت که منجر به اختلاف خانوادگی شود و می‌شد.

خانواده‌های ما زجر زیادی کشیدند؛



به گزارش اسپادانا خبر، روزنامه شرق با ماشاء □ شمس الواعظین، نخستین متهم مطبوعاتی قاضی سابق (سعید مرتضوی) گفتگوی انجام داده است. بخشی از این گفتگو را در ادامه می‌خوانید:

پشت میز قضاوت نشسته بود، دهانش باز بود و اخم‌هایش درهم، مشخص بود در حال فریادزدن است. عباس عیدی و حسین قاضیان با لباس‌های طلوسی‌رنگ که منقش به ترازوی عدالت بود، به میز تکیه داده و می‌خندیدند. این شاید یکی از معروف‌ترین تصاویر دادگاه‌هایی باشد که سعید مرتضوی در مدت قضاوت خود پرگزار کرده است. بخشی از این دادگاه‌ها به دادگاه مطبوعات شهرت یافت و ماشاء □ شمس الواعظین متهم ردیف نخست آن؛ سردبیر روزنامه‌های جامعه، توس، نشاط و عصر آزادگان.

مرتضوی در سال 79، ریشه خیلی از روزنامه‌های اصلاح‌طلب را با تیغ توقیف برید؛ البته خیلی از نویسندگان و مطبوعاتی‌ها سروکارشان به قاضی مرتضوی افتاد. حالا متهمان آن روزهای دادگاه‌های مرتضوی که خبر بازداشت او را شنیده‌اند، خاطراتی را به یاد می‌آورند که برایشان خوشایند نیست.

از شنیدن خبر بازداشت مرتضوی چه حسی داشتید؟

من برای خودش و خانواده‌اش ناراحت شدم؛ به‌ویژه برای همسر و فرزندانش؛ چون آنها گناهی نکرده‌اند و باید تاوان اقدامات و انحرافات (نه اخلاقی بلکه انحراف از قانون، منطلق و وظایف محوله) پدر و همسر خود را بپردازند. اینها چه گناهی کرده‌اند که دو سال را بدون پدر خود بگذرانند.

شما احتمالاً با همسر و فرزندان او در این سال‌ها مواجه‌ای داشتید و این حس دلسوزی از این مراوده نشئت می‌گیرد؟

خیر؛ من روزی در دادگاه به او گفتم آقای مرتضوی شما کاری را انجام می‌دهید که روزی در این کشور فرزندان خود را در مدارس به دلیل داشتن نام شما، ثبت‌نام نکنند. پوزخندی زد. بعداً با واسطه‌هایی (به دلیل اینکه همسر من یزدی هستند؛ یعنی همشهری بودن) مطلع شدم خیلی از مدارس فرزندان ایشان را در مدارس تهران، حتی مدارس غیرانتفاعی ثبت‌نام نمی‌کردند. این موضوع برای آغاز دهه 80 است. این خبر دقیق است و خانواده‌اش هم می‌توانند در این باره اظهارنظر کنند.

من به قول آقایان «سردبیر روزنامه‌های زنجیره‌ای» بودم. اولین روزنامه‌ای که توقیف شد، جامعه مدنی ایران، بعدی توس، نشاط و بعد عصر آزادگان بود که همگی با حکم آقای مرتضوی توقیف شدند؛ البته قبل از توقیف‌های اردیبهشت سال 79، فروردین همان سال بازداشت شده بودم و یک ماه یا 25 روز بعد از آن، توقیف سراسری اتفاق افتاد.

بعد از توقیف‌ها هم در بازداشت بودید و بازجویی می‌شدید؟

من اولین روزنامه‌نگار ایرانی هستم که به اتهام مطبوعاتی از سوی آقای مرتضوی محاکمه شدم؛ در سال 78. من در سال‌های 79، 80 و تا اواسط 81 بازداشت بودم و بعد از آن آزاد شدم. ایشان سه بار من را بازداشت کرد؛ یک بار 15 روز به طول انجامید و بار دوم 10 روز و مرحله آخر هم که دو سال و نیم.

اشاره کردم که فروردین به عیددینی رفتم که مرتضوی من را همان‌جا بازداشت کرد. به او گفتم بهتر است پرنسیب داشته باشد و زمان عیددینی چنین کاری نکند. به من گفت وقت دیگری بود، شما سروصدا راه می‌انداختید و ما خواستیم کم‌هزینه باشد. همچنین ارتباط با خانواده زندانیان بخش لاینفک مأموریت‌های ایشان بود.

هدفش از این ارتباط چه بود؟

با ذکر مثال می‌گویم. مرتضوی با همسر من چه کار داشت که 28 ساعت ایشان را بازجویی کرده بود؟ همچنین تقریباً با اکثر خانواده‌ها ارتباط برقرار می‌کرد و نکاتی را به دروغ می‌گفت که منجر به اختلاف خانوادگی شود و می‌شد. خیلی از جاها این اتفاقات افتاد.

مثلاً به خانواده‌های بعضی از همکارانم می‌گفت که «شما خیلی باید صبر کنید تا تکلیف زندانی معلوم شود. بروید و تکلیف زندگی خود را روشن کنید. همسر شما حالا حالاها در زندان می‌ماند و...»؛ یعنی همسران زندانی را به جدایی توصیه می‌کرد. این اتفاق این‌قدر تکرار شده که شما از هر زندانی و متهمی که مسئول پرونده‌اش مرتضوی بوده است، سوال کنید این موضوع را تأیید خواهد کرد.

آقای مرتضوی را می‌بخشید؟

من به خاطر خانواده‌اش، او را می‌بخشم. چون خانواده‌های ما زجر زیادی کشیدند. من به هیچ عنوان دوست ندارم خانواده‌اش زجر ببینند. امیدوارم زندان او زودتر تمام بشود و متوجه شود که چه اتفاقی برای او افتاده و از مردم عذرخواهی کند.

برچسب ها: [زندان](#) [1]